

## منابع و مأخذ

- 13- Francke, M., & Ham, E. (2006); Space of flows: manuel castells, geographical approaches.
- 14- Glassner, M. I., & Fahrner, Ch. (2004); Political geography, Wiley.
- 15- Harmaakorpi, V., & Uotila, T. (2006); Building regional visionary capability: Future research in resource-based regional development, technological forecasting and social change, 73.
- 16- Kratke, S. (1998); Problems of cross-border regional integration: the case of the German-polish border area, European urban and regional studies, Vol. 5(3).
- 17- Kratke, S. (1998); Regional integration or fragmentation? the German - polish border region in a New Europe, regional studies, Vol. 33.7.
- 18- Lechner, C., & Dowling, M. (1999); the Evolution of industrial districts and regional networks: the case of biothecnology region Munich/martinsried, Journal of management and governance, 3.
- 19- Meyer, P. B.(1997); Learning from the U.S. experience: problems of cross-border planning in multi-state conurbations, Louisville, available at <http://cepm.louisville.edu>
- 20- Perkmann, M. (1999); Building governance institutions across European borders, regional studies, Vol. 33, Issue 7
- 21- Scott, J.W. (1999); European and North American contexts for cross-border regionalism, regional studies, Vol. 33, Issue 7.
- 22- Short, J. R., & Kim, Y. (2003); Globalization and the City, Longman.
- 23- Stryjakiewicz, T. (1998); The changing role of border zones in the transforming economies of East-Central Europe: The case of Poland, Geojournal, Vol. 44, No. 3.
- ۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛ (۱۳۸۳)؛ جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین؛ مطالعات آمایش سرزمین؛ دفتر آمایش و توسعه پایدار.
- ۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور؛ (۱۳۸۳)؛ ضوابط ملی آمایش سرزمین.
- ۳- گل محمدی، احمد؛ (۱۳۸۱)؛ جهانی شدن، فرهنگ، هویت؛ نشر نی.
- ۴- محمدپور، احمدی پور و بدیعی؛ علی، زهرا و زهرا؛ (۱۳۸۵)؛ نقش تحول کارکرد مرز بر فضای جغرافیایی بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان؛ فصلنامه مدرس علوم انسانی؛ شماره ۱۰، (پیاپی ۴۸).
- 5- Ahrens, G., & Schone, M. (2008); Cooperative approaches to integrated cross-border transport planning on a regional level, a handbook, Dresden.
- 6- Albrechts, L., & Coppens, T. (2003); Megacorridors: striking a balance between the space of flows and the space of places, Journal of transport geography, No. 11.
- 7- Anderson, J., & L. O'Dowd (1999); Borders, border regions and territoriality: contradictory meanings.
- 8- Blatter, J. (2004); From spaces of place' to 'spaces of flows'? Territorial and functional governance in cross-border regions in Europe and North America, International Journal of urban and regional research, Volume 28.3.
- 9- Brater, Paul A. (2006); Multiple dimensions in negotiating the cross-border transport links that connect and divide singapore and johor, Malaysia, Asia Pacific Viewpoint, Vol. 47, No. 2.
- 10- Bunnell, T., Sidawaym, D., & Grundy-Warr, C. (2006); Introduction: re-mapping the growth triangle: Singapore's cross-border hinterland, Asia Pacific Viewpoint, Vol. 47, No. 2.
- 11- Church, A. & Reid, P. (1999); cross-border co-operation, Institutionalization and political space across the english channel, Regional studies, Vol. 33, Issue 7.
- 12- Dwived R.L. O. (1990); Functionals of political geography; Chaltanya publishing house, University of Allahabad.

## بحث و نتیجه گیری

خرده‌پا، شرکت‌های حمل و نقل و سازمان‌های دولتی محلی در سطح شهرستان و استان بیشترین تأثیر را از دیدگاه پاسخ دهندگان و مصاحبه شونده‌گان داشته‌اند.

آخرین سؤالی که در این پژوهش به آن پرداخته شد، بررسی و تحلیل ابعاد و اثرات توسعه‌ای شکل‌گیری منطقه میان مرزی بانه در سطح شهرستان می‌باشد. نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نشان داد که بیشترین اثرگذاری توسعه‌ای این پدیده به ترتیب در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی- فضایی، و سیاسی بوده است.

شاخص‌های نشان دهنده اثرگذاری این پدیده در زمینه اقتصادی موارد ذیل می‌باشند: افزایش فعالیت شرکت‌ها و نمایندگی‌های تجاری، افزایش جذب بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی، افزایش ارزش زمین، مسکن و اجاره بها، افزایش دسترسی به فرصت‌های اشتغال، افزایش تعداد پروژه‌های عمرانی و ...

در زمینه اجتماعی- فرهنگی، مواردی چون افزایش مسافرت و تعداد گردشگران از بقیه نقاط کشور به آن، افزایش آگاهی و شناخت مردمان بقیه نقاط کشور نسبت به قوم کُرد، افزایش شناخت و آگاهی و تعامل مردم منطقه با مردمان سایر نقاط کشور، گسترش روابط فرهنگی با مردمان کردستان عراق، و جلوگیری از مهاجرت مردم شهرستان به بیرون را می‌توان به عنوان شاخص‌های این اثرگذاری قلمداد نمود.

در رابطه با اثرگذاری کالبدی- فضایی، این پدیده نیز، به بهبود وضعیت شبکه‌های ارتباطی حمل و نقل جاده‌های در سطح شهرستان، ارتقای جایگاه شهر در سطح استان و کشور، و افزایش توجه مسئولین به امور توسعه و عمران منطقه می‌توان اشاره کرد.

در نهایت این که، افزایش امنیت در سطح شهرستان و گسترش روابط سازمان‌های حکومتی محلی اعم از فرمانداری و استانداری با حکومت اقلیم کردستان در شمال عراق به عنوان اثرگذاری سیاسی این پدیده‌ی فضایی- سیاسی به شمار می‌روند.

شناسایی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر وضعیت اقتصادی و معیشتی ساکنان مناطق مرزی در سطوح ملی و استانی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و مسئولان را در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و بلند مدت کمک شایانی خواهد نمود.

با عنایت به این امر، در این پژوهش سعی گردید تا منطقه میان - مرزی بانه در استان کردستان که در یک دهه گذشته تغییر و تحولات چشمگیری را به لحاظ سطح توسعه در قیاس با مناطق پیرامون شاهد بوده است، از ابعاد گوناگون عوامل و مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار بر شکل‌گیری این پدیده و تبیین جریانات و پیوندهای آن با آن سوی مرز، نقش و جایگاه بازیگران محلی و فرا محلی مؤثر در آن و نیز اثرات توسعه‌ای آن در سطح شهرستان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

بدین منظور و برای پاسخ به سؤالات پژوهش، با استفاده از مدل Copenns, Albrechts که در ادبیات تحقیق مورد اشاره قرار گرفته است، پرسشنامه‌ای طراحی و در میان مردم و مسئولان شهرستان بانه توزیع گردید.

نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی نشان داد که از میان عناصر و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری و توسعه منطقه میان- مرزی بانه، سه عامل گسترش روابط تجاری با آن سوی مرز، افزایش امنیت و توسعه در شمال عراق و موقعیت جغرافیایی مناسب شهرستان بانه در مرز ایران و عراق، به ترتیب واجد بیشترین اهمیت بوده‌اند و پس از آن عواملی نظیر گسترش روابط سیاسی و فرهنگی دولت ایران با حکومت اقلیم کردستان عراق، وابستگی‌های تاریخی و قومی ساکنان دو سوی مرز، بهبود وضعیت راه- های ارتباطی منتهی به مرز و در نهایت آزاد شدن مرز در مراحل بعدی اهمیت قرار گرفته‌اند.

در رابطه با نقش و جایگاه بازیگران مؤثر و فعال در منطقه میان مرزی بانه و سهم هر کدام از آنها در تغییر و تحولات صورت گرفته، به ترتیب تاجران بزرگ، تاجران

جدول ۴: اثرات توسعه‌ای شکل‌گیری منطقه میان-مرزی بانه

ابعاد اثرات	شاخص‌ها	میانگین مربوط به شاخص‌ها	میانگین کل
اقتصادی	افزایش جذب شرکت‌ها و نمایندگی‌های تجاری به منطقه	۴/۰۶	۳/۸۴
	افزایش جذب بانک‌های خصوصی و موسسات مالی به منطقه	۳/۲۸	
	افزایش ارزش زمین، مسکن و اجاره بها	۳/۳۷	
	افزایش دسترسی به فرصت‌های اشتغال در منطقه	۴/۶۳	
	افزایش تعداد پروژه‌های عمرانی در منطقه	۲/۸۴	
کالبدی-فضایی	بهبود وضعیت شبکه‌های ارتباطی و حمل و نقل جاده‌ای منتهی به منطقه	۳	۳/۰۴
	ارتقاء جایگاه شهر در سطح استانی و کشوری	۳/۸۴	
	افزایش توجه مسئولین به امور توسعه و عمران منطقه	۲/۴۹	
اثرات سیاسی	افزایش امنیت در سطح منطقه و در منطقه میان-مرزی	۳/۵۶	۲/۷۹
	گسترش روابط سازمان‌های حکومتی محلی (فرمانداری یا استانداری) با حکومت محلی کردستان عراق	۲/۰۲	
اجتماعی-فرهنگی	افزایش مسافرت و تعداد گردشگران از بقیه نقاط کشور به منطقه	۴/۳	۳/۶۱
	افزایش آگاهی و شناخت سایر قومیت‌های کشور نسبت به کردها	۳/۸۱	
	گسترش روابط فرهنگی با کردستان عراق	۲/۸۲	
	افزایش شناخت مردم منطقه نسبت به سایر قومیت‌های کشور	۲/۹۳	
	جلوگیری از مهاجرت مردم به بیرون از منطقه	۴/۲۱	

واقعی می‌باشد. بر اساس نتایج حاصل شده در حال حاضر شبکه‌های اینترنت در حال شکل‌گیری است.

عمده بازرگانان و تاجران منطقه از شیوه‌های سنتی (مراجعه شخص تاجر و یا نماینده وی به کشوری که کالا از آن خریداری می‌شود) برای مبادلات تجاری استفاده می‌کنند.

### یافته‌های مربوط به اثرات شکل‌گیری جریان‌ات منطقه میان-مرزی

اثرات شکل‌گیری منطقه‌ای میان‌مرزی بر اساس چهار گروه اثرات سیاسی، اثرات اقتصادی، اثرات فرهنگی و اثرات کالبدی-فضایی تقسیم و متناسب با هر کدام از اینها، گویه‌هایی در پرسشنامه طراحی گردید.

با این حال میانگین حاصله برای این سؤال که در ۵ سال گذشته استفاده از اینترنت تا چه اندازه در مبادلات تجاری افزایش یافته است ۳/۲۹ می‌باشد. ضمن اینکه درصد قابل توجهی (۴۶/۳۱ درصد) اظهار داشته‌اند که در صورت افزایش سرعت اینترنت و عدم قطع آن و نیز کسب اطمینان از امنیت شبکه تمایل دارند که از اینترنت برای انجام مبادلات تجاری خود استفاده کنند. این امر نشان از آن دارد که در کنار جریان‌ات واقعی موجود در منطقه میان-مرزی، جریان‌ات مجازی نیز در قالب استفاده از

بر اساس نتایج حاصل شده، مهمترین این اثرات به ترتیب شامل اثرات اقتصادی با میانگین ۳/۸۴، اثرات اجتماعی - فرهنگی با میانگین ۳/۶۱، اثرات کالبدی-فضایی با میانگین ۳/۰۴ و اثرات سیاسی با میانگین ۲/۷۹ می‌باشد (جدول شماره ۴).

### فصلنامه پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (۱۳۸۳)

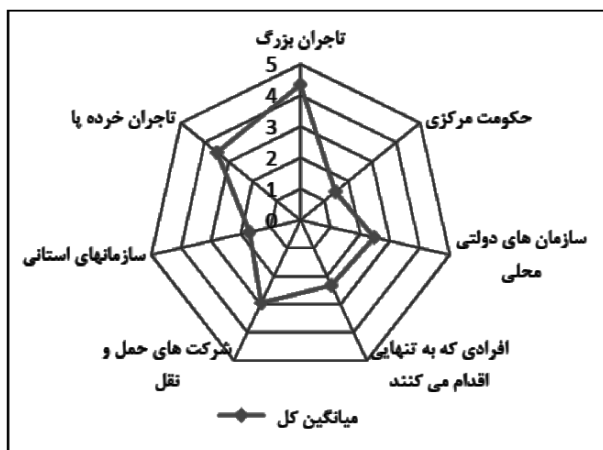
تبیین جریانات مناطق میان - مرزی و اثرات آن بر توسعه ... / ۸۳

روابط تجاری با آن سوی مرز، افزایش امنیت و توسعه کردستان عراق، وابستگی‌های تاریخی و قومی ساکنان دو طرف مرز، موقعیت مناسب مرزی شهر بانه و ایجاد و بهبود وضعیت راه‌های ارتباطی منتهی به آن سوی مرز تأثیر معناداری بر شکل‌گیری منطقه میان-مرزی بانه داشته‌اند.

با این حال میانگین عوامل اقتصادی (که در اینجا با متغیر تبدلات تجاری سنجش شده است) و افزایش امنیت در کردستان عراق نمراتی بیش از حد متوسط کسب کرده‌اند و بنابراین نسبت به بقیه عوامل تفاوت قابل توجهی را نشان می‌دهند و در واقع نقش مهمتری در شکل‌گیری منطقه میان مرزی بانه داشته‌اند (جدول شماره ۳).

یکی دیگر از موارد قابل توجه در ارتباط با شکل‌گیری مناطق میان-مرزی نقش و جایگاه بازیگرانی است که در اینگونه جریانات مؤثرند.

برای شناخت این بازیگران نخست بر اساس مدل مفهومی پژوهش، این بازیگران شناسایی و سپس از مردم و نخبگان محلی در این زمینه سؤال گردید تا نقش هر کدام از آنها مشخص گردد. نتایج حاصل از پاسخ‌ها در نگاره شماره ۳ نشان داده شده است.



نگاره ۳: بازیگران اصلی در منطقه میان-مرزی بانه و سهم هر کدام از آنها

مسأله دیگری که در ارتباط با مناطق میان-مرزی وجود دارد دامنه فضایی جریانات و نوع آنها از نظر مجازی و

اساس عوامل، مؤلفه‌ها و عناصر موجود در مدل مفهومی طراحی و به صورتی که در روش تحقیق اشاره شد، در بین صاحبان واحدهای تجاری (و یا افرادی که به صورت اجاره واحدهای تجاری را در اختیار دارند) و مسئولان منطقه (شهرستان) پخش گردید.

در سؤال نخست، ۸ مورد به عنوان عوامل اصلی شکل‌گیری منطقه میان-مرزی مطرح و از پاسخگویان خواسته شد بر اساس طیفی از بسیار کم تا بسیار زیاد، نقش آن را در شکل‌گیری منطقه میان مرزی بانه مشخص نمایند (جدول شماره ۱).

بر اساس جدول فوق، عامل تجاری با میانگین ۴/۲۷ بیشترین سهم را در شکل‌گیری منطقه میان-مرزی به دست آورده است و عوامل افزایش امنیت در شمال عراق، موقعیت مناسب، گسترش روابط سیاسی، روابط فرهنگی، وابستگی‌های تاریخی و قومی ساکنان دو طرف مرز، ایجاد و بهبود وضعیت راه‌های ارتباطی منتهی به آن سوی مرز و در نهایت آزاد شدن مرز به ترتیب با میانگین‌های ۳/۳۶، ۲/۹۳، ۲/۷، ۲/۴۷، ۲/۴۳، ۲/۳۶ و ۱/۷۳ در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

علاوه بر موارد فوق برای پاسخ به این سؤال از آزمون تک نمونه‌ای برای هر کدام از عوامل مورد نظر استفاده گردید که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

بر اساس نتایج پاسخ‌های مردم، عوامل گسترش روابط فرهنگی با آن سوی مرز بعد از سقوط رژیم بعث، گسترش روابط سیاسی با آن سوی مرز، گسترش روابط تجاری با آن سوی مرز، افزایش امنیت و توسعه کردستان عراق، وابستگی‌های تاریخی و قومی ساکنان دو طرف مرز، موقعیت مناسب مرزی شهر بانه و ایجاد و بهبود وضعیت راه‌های ارتباطی منتهی به آن سوی مرز تأثیر معناداری بر شکل‌گیری منطقه میان-مرزی بانه داشته‌اند.

همچنین بر اساس نتایج پاسخ‌های مسئولان نیز عوامل گسترش روابط فرهنگی با آن سوی مرز بعد از سقوط رژیم بعث، گسترش روابط سیاسی با آن سوی مرز، گسترش

جدول ۲: نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای هر کدام از عوامل (نتایج پاسخ‌های مردم)

سطح معناداری	Test Value	میانگین	T	عامل
۰/۰۰۲	۳	۲/۴	-۳/۳۹۵	گسترش روابط فرهنگی دو سوی مرز بعد از سقوط حکومت صدام
۰/۰۲۶	۳	۲/۶	-۲/۳۴۰	گسترش روابط سیاسی با آن سوی مرز
۰/۶۹۰	۳	۱/۷۳	۱۰/۸۴۶	آزاد شدن مرز
۰/۰۰۰	۳	۴/۳۳	-۰/۴۰۳	گسترش روابط تجاری با آن سوی مرز
۰/۰۰۰	۳	۳/۴۶	-۴/۲۶۴	افزایش امنیت و توسعه کردستان عراق
۰/۰۰۳	۳	۲/۳۳	۳/۲۶۶	وابستگی‌های تاریخی و قومی ساکنان دو طرف مرز
۰/۰۰۰	۳	۳/۰۶	۱۳/۳۲۱	موقعیت مناسب مرزی شهر بانه
۰/۰۰۰	۳	۲/۴۶	۴/۰۸۰	ایجاد و بهبود وضعیت راه‌های ارتباطی منتهی به آن سوی مرز

جدول ۳: نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای هر کدام از عوامل (نتایج پاسخ‌های مسئولان)

سطح معناداری	Test Value	میانگین	T	عامل
۰/۰۲۹	۳	۲/۵۳	-۲/۴۳۲	گسترش روابط فرهنگی دو سوی مرز بعد از سقوط حکومت صدام
۰/۱۸۹	۳	۲/۸	-۱/۳۸۲	گسترش روابط سیاسی با آن سوی مرز
۰/۰۰۰	۳	۱/۷۳	-۶/۹۷۱	آزاد شدن مرز
۰/۰۰۰	۳	۴/۲	۸/۲۹۰	گسترش روابط تجاری با آن سوی مرز
۰/۰۴۱	۳	۳/۲۶	۲/۲۵۶	افزایش امنیت و توسعه کردستان عراق
۰/۰۲۹	۳	۲/۵۳	-۲/۴۳۲	وابستگی‌های تاریخی و قومی ساکنان دو طرف مرز
۰/۳۸۴	۳	۲/۸	-۰/۸۹۹	موقعیت مناسب مرزی شهر بانه
۰/۰۰۶	۳	۲/۲۶	-۳/۲۱۴	ایجاد و بهبود وضعیت راه‌های ارتباطی منتهی به آن سوی مرز

بالای شهرستان، کلیه افراد جامعه آماری (۴۱ نفر) مورد پرسش واقع شدند.

#### یافته‌های تحقیق

سؤال اصلی این پژوهش این بود که عوامل اصلی شکل‌گیری و تبیین جریان‌ات منطقه میان-مرزی بانه کدامند و اثرات توسعه‌ای آن چیست؟ همچنانکه در قسمت روش تحقیق اشاره گردید برای شناخت جریان‌ات میان مرزی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری چنین مناطقی از مدل مفهومی Albretchs و Copenns که در زمینه مگاگریدورها تدوین شده است استفاده شد که برای تطبیق با مناطق میان-مرزی تغییراتی در آن اعمال گردید. برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق، پرسشنامه‌ای بر

که به صورت مالک واحدهای تجاری و یا در قالب اجاره واحدهای تجاری شهر بانه فعالیت دارند.

بنابراین اگرچه آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد و افرادی نیز هستند که به صورت غیررسمی و بدون در اختیار داشتن فضای فیزیکی فعالیت دارند.

با این حال برای دستیابی به آماری دقیق در این زمینه با مراجعه به مجمع امور صنفی شهرستان، شهرداری بانه و فرمانداری شهرستان بانه آمارهای موجود اخذ و سپس میانگین آمارهای گرفته شده به عنوان جامعه آماری مد نظر قرار گرفت که ۷۶۸۳ نفر می‌باشد. با توجه به اینکه برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است بنابراین تعداد ۳۱۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. علاوه بر این با توجه به محدود بودن تعداد مسئولان رده

جدول ۱: عوامل شکل‌گیری جریان‌ات منطقه میان - مرزی بانه

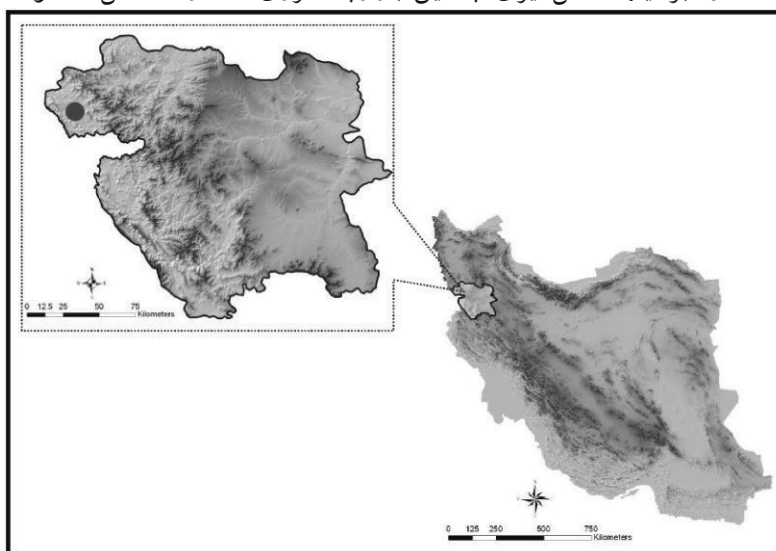
رتبه عامل بر اساس میانگین کل	میانگین کل*	میانگین پاسخ‌ها (مسئولان)	میانگین پاسخ‌ها (مردم)	عامل
۵	۲/۴۷	۲/۵۳	۲/۴	گسترش روابط فرهنگی دو سوی مرز بعد از سقوط حکومت صدام
۴	۲/۷	۲/۸	۲/۶	گسترش روابط سیاسی با آن سوی مرز
۸	۱/۷۳	۱/۷۳	۱/۷۳	آزاد شدن مرز
۱	۴/۲۷	۴/۲	۴/۳۳	گسترش روابط تجاری با آن سوی مرز
۲	۳/۳۶	۳/۲۶	۳/۴۶	افزایش امنیت و توسعه کردستان عراق
۶	۲/۴۳	۲/۵۳	۲/۳۳	وابستگی‌های تاریخی و قومی ساکنان دو طرف مرز
۳	۲/۹۳	۲/۸	۳/۰۶	موقعیت مناسب مرزی شهر بانه
۷	۲/۳۶	۲/۲۶	۲/۴۶	ایجاد و بهبود وضعیت راه‌های ارتباطی منتهی به آن سوی مرز

\* میانگین‌ها بر اساس طیف لیکرت و از ۵ به دست آمده است.

راستای سیاست توسعه و ساماندهی مبادلات مرزی صورت گرفته است نیز بر اهمیت موضوع و کاربردی بودن آن افزوده است. شهر و منطقه مرزی بانه یکی از این کانون‌هاست که در دو دهه اخیر با توجه به خودمختاری نسبی که در بخش‌های کردنشین شمال عراق شکل گرفته است به سرعت بر تعامل خود با آن مناطق افزوده و در حال حاضر به عنوان یکی از کانون‌های مهم تجاری و گردشگری در غرب کشور عمل می‌کند. قلمرو این تحقیق را منطقه بانه و شهر بانه و بازار آن به عنوان کانون فعالیت‌ها و جریان‌ات پویای آن با فضای بیرون از کشور در بر می‌گیرد. جامعه آماری این تحقیق شامل مسئولان رده بالای شهرستان بانه و افرادی هستند

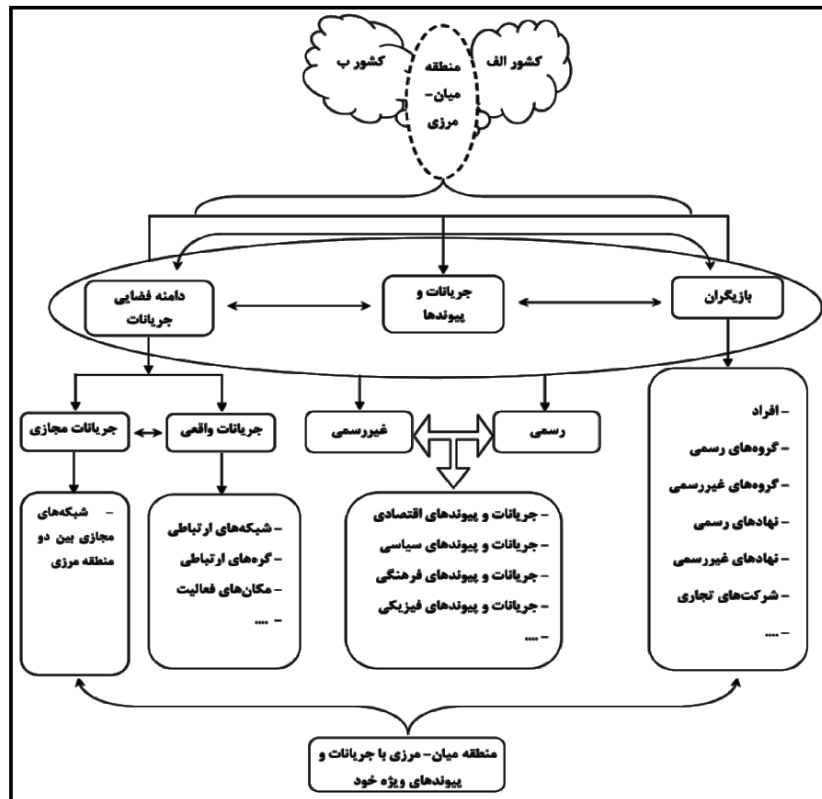
در زمینه‌های بازرگانی و تجارت است که راهبردهای اصلی در این زمینه و در سند نظریه پایه توسعه استان شامل تقویت و تجهیز شبکه‌های زیربنایی به منظور پشتیبانی از مبادلات و ارتباطات ملی و منطقه‌ای، توسعه خدمات بازرگانی با توجه به همجواری آن با عراق و جهت‌گیری‌های توسعه استان و توسعه گردشگری با توجه به وجود آثار باستانی و جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی می‌باشد. علاوه بر موارد فوق در ضوابط ملی آمایش سرزمین نیز بر توسعه بازرگانی و گردشگری در نواحی غربی کشور و از جمله استان کردستان تأکید شده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳).

علاوه بر اینها شکل‌گیری چندین بازارچه مرزی که در



نگاره ۲: موقعیت محدوده مطالعاتی

نگاره ۱: مدل مفهومی جریان‌ها  
 میان-مرزی، بازیگران درگیر در  
 آن و دامنه فضایی جریان‌ها



دهه اخیر به واسطه تعاملات اقتصادی که با کشور عراق داشته است به عنوان کانون مهم اقتصادی و گردشگری در غرب کشور رشد و توسعه یافته است به طوری که در حال حاضر بنا بر گزارش‌های رسمی و غیررسمی به واسطه مسافرت گردشگران و تاجران در مقیاس گسترده، این شهر به یک کانون مهم مبادلات اقتصادی و مقصد گردشگری تبدیل شده است که چنین امری در راستای نظریه پایه توسعه استان و چشم‌انداز در نظر گرفته شده برای استان کردستان می‌باشد چرا که در نظریه پایه توسعه استان کردستان، نقش و عملکرد این استان در عرصه ملی به صورت زیر تعریف شده است. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳: ۱۰۶)

در راستای تحقق اهداف چشم‌انداز بلند مدت توسعه کشور، نظریه پایه توسعه ملی و جهت‌گیری‌های آمایش سرزمین و با توجه به ویژگی‌های استان، مأموریت‌ها و وظایف اصلی استان به ترتیب بر پایه توسعه کشاورزی، صنعت و معدن و گردشگری استوار خواهد بود.

آنچه در این رابطه قابل توجه است تکیه بر قابلیت‌های استان

بخش زیادی از مناطق مرزی ایران در نیمه غربی کشور قرار گرفته است که در حال حاضر جزء پویاترین مناطق مرزی کشور از نظر جریان‌ها میان-مرزی در مرزهای خشکی هستند. منطقه میان مرزی بانه یکی از این مناطق است که در چند سال اخیر پیوندهای گسترده‌ای را با مناطق کردنشین عراق از ابعاد مختلف برقرار نموده است و کانون این پیوندها و جریان‌ها در قسمت ایران، شهر بانه می‌باشد که در حال حاضر به رغم اندازه نسبتاً کوچک آن، به عنوان یک کانون مهم فعالیتی در این بخش از کشور خود را نمایان کرده است. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ شهرستان بانه ۱۱۶۷۷۳ نفر (۵۹/۶۳ درصد) در شهر بانه ساکن هستند. شهرستان بانه از شمال به شهرستان سردشت، از شرق به شهرستان سقز و از جنوب و غرب به کشور عراق محدود می‌گردد. شهر بانه مرکز شهرستان بانه در ۲۷۰ کیلومتری شمال غربی شهر سنندج واقع شده است (نگاره ۲). شهر بانه علیرغم موقعیت نسبتاً بن‌بستی خود در

## فصلنامه پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (۱۳۸۵)

تبیین جریانات مناطق میان - مرزی و اثرات آن بر توسعه ... / ۷۹

سطح وسیعی وجود داشته و یا در حال شکل‌گیری است. در این میان مناطق مرزی ایران و عراق نیز در سال‌های اخیر دچار تحولات شگرفی از نظر نوع و دامنه جریانات و پیوندها گردیده است. روابط میان-مرزی ایران و عراق در چند سال اخیر در سطح وسیعی گسترش یافته است. نمونه بارز این گستردگی روابط و تبادلات را به ویژه در عرصه اقتصادی می‌توان در ایجاد چندین بازارچه مرزی در نقاط مختلف مرز جستجو کرد که باعث شکل‌گیری حجم عظیمی از مبادلات و جریانات مختلف کالا، سرمایه و مردم شده است.

منطقه مرزی بانه و کانون مبادلات آن یعنی شهر بانه نیز از این جریانات به دور نمانده و توانسته در سایه مزیت‌های نسبی که نسبت به سایر مناطق اطراف دارد ارتباطات گسترده‌ای را با مناطق مرزی عراق و حتی شهرهای بزرگی نظیر سلیمانیه و اربیل، چه به صورت رسمی و چه به صورت غیررسمی، برقرار نماید.

با این حال، علیرغم اهمیت چنین جریاناتی هنوز ابعاد و دامنه فضایی آن شناخته نشده، نوع جریانات به صورت پنهان و غیررسمی باقی مانده و بیشتر به عنوان یک پدیده غیرسازمان‌دهی شده خود را نمایان می‌کند. این در حالی است که شناخت ابعاد و دامنه فضایی این جریانات و پیوندها، و نیز نوع غالب جریانات و بازیگران درگیر در آن می‌تواند پیامدهای سیاست‌گذاری مهم و بنیادی به دنبال داشته باشد.

روش این تحقیق به صورت تحلیلی - توصیفی می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات آن نیز در چارچوب مطالعات اسنادی و میدانی (پرسشنامه) صورت گرفته است. در این راستا و جهت دستیابی به اهداف اصلی تحقیق، یعنی شناخت ابعاد و دامنه جریانات موجود در منطقه میان مرزی بانه، نوع غالب جریانات و نیز بازیگران درگیر در آن، مدل مفهومی زیر که چارچوب کلی آن از کار Albrechts و Copenns در زمینه مگاگردورها اتخاذ شده با تغییراتی به عنوان مدل مفهومی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

متفاوت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در دو سوی منطقه مرزی و گاهاً نیز ناشی از یکسانی این ساختارها است. در هر حال آنچه که شایان توجه است شکل‌گیری جریانات قوی در مناطق میان-مرزی در چند دهه اخیر می‌باشد که شدیداً ساختارهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی چنین مناطقی را تحت تأثیر قرار داده است. در یک تقسیم‌بندی کلی کارکرد مرزها را می‌توان به کارکردهای دفاعی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دسته‌بندی نمود. (Dwivedi, 1990) به نقل از محمدپور، احمدی‌پور و بدیعی، ۱۳۸۵: ۱۵۳-۱۵۱).

این در حالی است که کارکرد مرزها همواره در طول زمان تغییر می‌کند و اشکال فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جهانی شدن در حال تغییر کارکردها و ارزش‌های نمادین به ظاهر تثبیت شده مرزها در اروپای غربی، آمریکای شمالی و بخش‌های زیادی از بقیه نقاط جهان است (Anderson & O' Dowd, 1999: 595).

در هر حال جریانات موجود در مناطق میان-مرزی نیز ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. جریان اشخاص، کالاها و اطلاعات در چند دهه اخیر به طور اساسی افزایش یافته است. فضای جریان‌ها بر اساس شبکه‌ای است که مکان‌های ویژه‌ای را با ویژگی‌های کاملاً معین اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی و کارکردی به هم پیوند می‌دهد (Albrechts & Coppens, 2003: 217). در واقع گذشته از اینکه از لحاظ تاریخی، مکان از سیمای فیزیکی جامعه نشأت می‌گیرد (فضای مکان‌ها)، جوامع به طور روزافزونی در گِرداگرد جریان‌ها در حال ساخته شدن هستند: جریان سرمایه، جریان کالاها، جریان افراد و جریان افکار و ایده‌ها. برای کستلز این جریانات مبین فرآیندهای غالب بر زندگی اقتصادی، سیاسی و نمادی ما هستند. کستلز فضای جریانات را به عنوان مشخصه شکل فضایی و اجتماعی جدید می‌بیند که بر زندگی ما غالب شده و جامعه شبکه‌ای را شکل می‌دهند (Albrechts et al, 2003: 216).

بدون شک چنین جریاناتی در بیشتر مناطق مرزی جهان و از جمله مناطق مرزی کشورهای در حال توسعه نیز در



میان مرزی بر تحولات شهری را آنچنان گسترده می‌بیند که چنین اثراتی برنامه‌ریزی و مدیریت چنین شهرهایی را با چالش مواجه کرده است.

در مناطق مرزی معمولاً چشم‌اندازهای کاملاً متفاوتی در دو طرف مرز به وجود می‌آید (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۹) چرا که نواحی مرزی در معرض تلاقی ساختارهای اقتصادی، سیاسی و محیط‌های اجتماعی- فرهنگی غیرهمسان هستند و بنابراین می‌توانند به عنوان موانع ارتباطی عمل کنند که منجر به مسیرهای توسعه منطقه‌ای متفاوت در طرف‌های مختلف مرز می‌شود. با وجود این منطقی نیست که نواحی مرزی صرفاً از منظر اقتصاد ملی دیده شوند، بلکه باید بیشتر آنها را به عنوان بخشی از یک بافت فضایی فراملی در سیستم اقتصادهای منطقه‌ای در نظر گرفت (Kratke, 1999: 633). مناطق میان-مرزی را به عنوان مثال‌هایی از (فضاهای) آینده می‌پندارند که در آن اهمیت دولت ملی<sup>۱</sup> کاهش یافته و رابطه مناطق که در حال شکل‌گیری به وسیله وابستگی‌های اقتصادی - اجتماعی قوی هستند، افزایش می‌یابد. گذشته از این، اکنون بسیاری از مناطق مرزی به عنوان مناطق حاشیه‌ای دیده نمی‌شوند چرا که اغلب این مناطق شکوفایی و رونق اقتصادی بیش از میانگین ملی را به نمایش گذاشته و علاوه بر آن نیروهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نوین جهانی غلبه حکومت‌ها و مدیریت‌های ملی را در اداره مناطق میان مرزی به چالش کشانده است (Blatter, 2004: 532). با این حال باید گفت که مرزها دارای ویژگی‌ها و شرایط خاص خود هستند و بسته به قرارگیری در بین کشورهایی با ساختارهای حکومتی، اقتصادی و اجتماعی گوناگون، کارکردها و شرایط خاصی به خود می‌گیرند و به این خاطر است که خصوصیات ویژه محلی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فقط می‌تواند بر حسب مفهوم‌سازی گسترده‌تری فهمیده شود (Anderson and O' Dowd, 1999: 594).

جریان‌ات میان مرزی نیز گاه ناشی از وجود ساختارهای

مهمترین عامل شکل‌گیری مناطق میان-مرزی نام برده و یکپارچگی منطقه‌ای در مناطق مرزی آلمان و لهستان را به خاطر گسترش جریان‌ات و پیوندهای منطقه‌ای و شکل‌گیری مفهومی با عنوان مناطق میان-مرزی می‌داند. وی در کار خود نتیجه می‌گیرد که علیرغم اینکه آلمان و لهستان مسیرهای توسعه متفاوتی را در سطح کلان ملی طی کرده‌اند با این حال گسترش پیوندهای میان-مرزی، یکپارچگی توسعه را در شهرها و مناطق مرزی دو کشور به دنبال داشته است. Bunnell, Sidawaym & Grundy - Warr (2006) مفهوم پسکرانه میان - مرزی را در این حوزه وارد ساخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که پیوندها و جریان‌ات مناطق مرزی در سطح خردتر باعث شکل‌گیری پسکرانه‌ها شده و توسعه را در فضاهای گسترده‌تری باعث می‌شود.

Church & Reid (1999) بر ابعاد نهادسازی و تعاملات سیاسی مناطق میان - مرزی متمرکز شده و اداره شهرها و مناطق مرزی را مستلزم همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه در مناطق مرزی می‌دانند. Scott (1999) عامل اصلی شکل‌گیری مناطق میان - مرزی را رویکردهای منطقه‌گرایی نوین در ادبیات برنامه‌ریزی، توسعه و مدیریت فضا می‌داند. Perkman (1999) گسترش رویکردهای جدید حکمروایی بین‌المللی را در شکل‌گیری مناطق میان-مرزی مهم برشمرده و اثرات توسعه‌ای آن را بر شهرها و مناطق مرزی مهم می‌داند. Stryjakiewics (1998) اشاره کرده است که نقش مرزها و به تبع آن نقش شهرها و مناطق مرزی نسبت به دهه گذشته تغییر نموده و در ارتباط با کار تجربی خود نتیجه می‌گیرد که در اروپای شرقی و مرکزی تحولات اقتصادی در سطح گسترده‌ای فضای تعامل و همکاری را در شهرها و مناطق مرزی به وجود آورده است. Ahrens & Schone (2008) رویکردهای مشارکتی برای برنامه‌ریزی حمل و نقل یکپارچه در مناطق میان‌مرزی را مورد تحلیل قرار داده‌اند و نتیجه می‌گیرند که جهت دادن به تحولات صورت گرفته در شهرها و مناطق مرزی مستلزم اتخاذ راهبردهای برنامه‌ریزی مشخص است. سرانجام اینکه، Meyer (1997) اثرات مناطق

فرهنگی از کشورهای مختلف به صورت گسترده در یک مکان امکان پذیر شده است و دولت های ملی تنها عاملانی نیستند که بر افکار، ایده ها و زندگی سیاسی افراد تأثیر بگذارند (Short & kim, 2003: 3). امروزه سه نوع از جهانی شدن اقتصاد، فرهنگ و سیاست قابل تشخیص است و در این سه عرصه است که به گفته کستلز فضای جریان ها بر فضای مکان ها غلبه می یابد.

چنین فرآیندهایی با تأثیرگذاری بنیادی که بر قدرت و توانایی دولت های ملی در کنترل بدون قید و شرط مرزهایشان گذاشته است عملاً مرزهای ملی را از خطوط برخورد و تضاد به مناطق ارتباط و تعامل تبدیل نموده است (Blatter, 2004: 532). بر این اساس امروزه جریانات و پیوندهای میان مرزی بخش زیادی از مطالعات علمی را به خود اختصاص داده است چرا که جریانات میان مرزی به عنوان نیروها و فرآیندهایی که از چندین منبع نشأت می گیرند می توانند منجر به تغییراتی در کارکرد نقاط سکونتگاهی اطراف مرز و نیز کلیت منطقه میان-مرزی و به تبع آن تغییراتی در فرم های فضایی گردند. در واقع انجام تحقیقات گسترده در زمینه مناطق میان-مرزی<sup>۱</sup> و بررسی جریاناتی که نه در خط مرزی، بلکه در یک منطقه مرزی اتفاق می افتد در سطح وسیعی نشان از تغییر کارکرد مرزها و شکل گیری جریانات و پیوندهای میان-مرزی عمیق و گسترده ای دارد که خود از نیروها و فرآیندهایی در سطح فراملی و جهانی نشأت می گیرد.

شکل گیری مفهوم و موضوعی با عنوان منطقه میان-مرزی و اثرات آن بر توسعه شهری و منطقه ای نسبتاً جدید بوده و به همین دلیل مطالعات موجود در این زمینه نیز محدودند. Brater (2006) عامل گسترش حمل و نقل و شبکه های ارتباطی در مناطق مرزی را به عنوان عوامل اثرگذار بر شکل گیری مناطق میان-مرزی نام برده و از شهرها و مناطق مرزی به عنوان دروازه های ورودی کشورها نام می برد. Kratke (1998) عامل اقتصادی را به عنوان

اساس، این تحقیق به دنبال شناخت دامنه و ابعاد فضایی این جریانات، پیوندهای غالب و نیز بازیگران درگیر آن و اثرات توسعه ای آن در چارچوب مدل مفهومی است که در تحقیق ارائه شده است. در این راستا پاسخگویی به این سؤال اساسی که عوامل اصلی شکل گیری و تبیین جریانات منطقه میان مرزی بانه کدامند و اثرات توسعه ای آن چیست؟ می تواند بستر شناخت مباحث فوق و انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه را فراهم کند.

### چارچوب نظری

پروژه جهانی شدن که از قرن های ۱۵ و ۱۶ میلادی بر اثر تغییر در شیوه های تولید و الگوهای جدیدی از ارتباطات شکل گرفته بود همچنان ادامه یافت و این فرآیند تا آنجا پیش رفت که عده ای مفاهیم و اصطلاحاتی همچون فشرده گی زمان و فضا را سر لوحه مباحث تئوریک و تجربی خود قرار دادند. در آغاز قرن بیستم فرآیند فشرده گی فضا - زمان شتاب بیشتری به خود گرفت و اختراعات مهم در حوزه حمل و نقل و ارتباطات، امکانات بیشتری را در اختیار نظام سرمایه داری قرار داد تا حیطه عمل خود را گسترش دهد. از دیدگاه هاروی شدیدترین فشرده گی فضا - زمان از دهه ۱۹۸۰ به این طرف اتفاق افتاد (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۴۷) و فرآیندهای جهانی شدن تا آنجا پیش رفت که کستلز نظریات معروف خود را در مورد فرآیندهای به هم پیوستگی هر چه بیشتر جهان بیان کرد و اصطلاح فضای جریان ها را مطرح نمود (Francke & Ham 2006: 3). کستلز با توجه به پویایی های تکنولوژی اطلاعات، در رویای ظهور جامعه شبکه ای است که در آن فضای جریانات در حال جان نشین شدن فضای مکان به عنوان منطق غالب برای سازمان ها و نهادهای اجتماعی هستند (Blatter, 2004: 530). بر مبنای همین مباحث است که امروز قدرت و توانایی دولت های ملی در حکمرانی و کنترل بدون قید و شرط قلمروشان مورد تردید قرار گرفته است و جریان های سرمایه در سراسر جهان به گونه ای افزایش یافته است که نمایش محصولات

## مقدمه

اخیر دچار تحولات شگرفی از نظر نوع و دامنه جریانات و پیوندها گردیده و روابط میان مرزی ایران و عراق در چند سال اخیر و بعد از به قدرت رسیدن گروه‌هایی که روابط و تبادلات گسترده فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با ایران دارند، در سطح وسیعی گسترش یافته است. نمونه بارز این گسترده‌گی روابط و تبادلات را به ویژه در عرصه اقتصادی می‌توان در ایجاد چندین بازارچه مرزی در نقاط مختلف مرز ایران و عراق جستجو کرد. بدون شک این گونه تبادلات، تحولات و تغییرات گسترده فضایی و کارکردی را در شهرها و روستاهای مناطق مرزی به جای گذاشته و در آینده نیز تأثیرات خود را به صورت بارزتری به نمایش خواهد گذاشت.

در این میان مناطق شمالی عراق به واسطه تقویت و شکل‌گیری سیستم حکومتی جدید و امنیت نسبی شکل گرفته در این مناطق نسبت به مناطق مرکزی و جنوبی از رونق و شکوفایی اقتصادی بیشتری برخوردار می‌باشد که اثرات آن بر مناطق مرزی ایران نیز گسترده بوده به طوری که در حال حاضر حجم عظیمی از مبادلات و جریانات مختلف کالا، سرمایه و مردم در جریان است. منطقه میان مرزی بانه و کانون مبادلات آن یعنی شهر بانه نیز از این جریانات به دور نمانده و توانسته در سایه مزیت‌های نسبی که نسبت به سایر مناطق اطراف دارد ارتباطات گسترده‌ای را با مناطق مرزی عراق و حتی شهرهای بزرگی نظیر سلیمانیه و اربیل، چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی، برقرار نماید. بدون شک چنین جریاناتی تغییرات کارکردی و فضایی عمیقی را به دنبال داشته است. با این حال، به رغم اهمیت چنین جریاناتی هنوز ابعاد و دامنه فضایی آن شناخته نشده، نوع جریانات به صورت پنهان و غیررسمی باقی مانده و بیشتر به عنوان یک پدیده غیرسازمان‌دهی شده خود را نمایان می‌کند. این در حالی است که شناخت ابعاد و دامنه فضایی این جریانات و پیوندها و نیز نوع غالب جریانات و بازیگران درگیر در آن می‌تواند پیامدهای سیاستگذاری مهم و بنیادی به دنبال داشته باشد. بر همین

از زمانی که مباحث برنامه‌ریزی و توسعه در محافل آکادمیک و عرصه سیاستگذاری دولت‌ها جای خود را باز نمود، منطقه همواره به عنوان عنصری کانونی در این مباحث وجود داشته و اکنون در عصر جهانی شدن نیز دوباره اهمیت خود را باز یافته است به طوری‌که در حال حاضر به رغم رقابت‌های جهانی، موفقیت اقتصادی به شکل منطقه‌ای متمرکز شده است و یا همچنان که پورتر اظهار می‌دارد مکان مهم است (Lechner & Dowling, 1999: 309). مناطق شدیداً وابسته به تاریخ و گذشته خود بوده و مسیرهای توسعه منطقه‌ای، مسیرهایی به شدت وابسته هستند.

بنابراین تدوین استراتژی‌های توسعه پایدار منطقه‌ای بدون ارزیابی همه جانبه از آرایش فضایی منابع و دارایی‌های منطقه‌ای و روابط آن با سایر مناطق غیر ممکن است (Harmaakorpi & Uotila, 2006: 278). بر همین اساس است که امروزه توسعه منطقه‌ای شکل‌های نوینی به خود گرفته است و شکل‌گیری چنین شیوه‌های توسعه منجر به این شده است که هر نوع منطقه‌ای بتواند مسیر توسعه مشخصی را برای خود برگزیند. در این میان مناطق مرزی که زمانی عمدتاً به دلایل امنیتی و یا وجود سیستم‌های متمرکز حکومتی جزء مناطق فراموش شده به لحاظ توسعه بودند، امروزه اکثراً جایگاه خود را پیدا نموده و عملاً روابط سنتی را در این زمینه معکوس نموده‌اند. شکل‌گیری مناطق میان‌مرزی که به خاطر فضای پویای تعاملات و فعالیت‌ها، فضایی فراتر از خط مرزی و عمدتاً در کانون‌های مشخص، منطقه‌ای را شکل داده است از جمله اشکال نوین توسعه منطقه‌ای می‌باشد که جایگاه خود را در مباحث توسعه منطقه‌ای به ویژه در ارتباط با توسعه مناطق مرزی به دست آورده است.

بدون شک چنین جریاناتی در بیشتر مناطق مرزی جهان و از جمله مناطق مرزی کشورهای در حال توسعه نیز در سطح وسیعی وجود داشته و یا در حال شکل‌گیری است. در این میان مناطق مرزی ایران و عراق نیز در سال‌های

# تبیین جریان‌های مناطق میان-مرزی و اثرات آن بر توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: منطقه میان-مرزی بانه)

خدر فرجی‌راد<sup>۱</sup>      علی محمدپور<sup>۲</sup>      ریواز قربانی‌نژاد<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۴/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۲۳

\*\*\*\*\*

## چکیده

مناطق مرزی در اغلب کشورها و به ویژه در کشورهای در حال توسعه به علت در حاشیه قرار گرفتن و برخورداری از ساختارهای متفاوت فرهنگی که زمینه را برای شکل‌گیری نگرش خاصی در حاکمان نسبت به آن فراهم می‌کند، به لحاظ سطح توسعه در قیاس با مناطق مرکزی کشور در سطح پایین‌تری قرار دارند. با این حال، گسترش فرایند جهانی شدن در دهه‌های اخیر که منجر به فشردگی فضا و زمان و کمرنگ‌تر شدن نقش جداکنندگی مرزهای بین کشورها در کنار وابستگی بیشتر آنها به یکدیگر به لحاظ اقتصادی و نیز افزایش فعالیت بازیگران غیردولتی شده است، فرصت مناسبی را در اختیار ساکنان مناطق مرزی به منظور گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای مجاور قرار داده و در واقع خط مرزی و فضای تضاد و برخورد تبدیل به منطقه میان-مرزی و فضای تعامل شده است. شهرستان بانه در استان کردستان که در منطقه مرزی ایران و عراق قرار گرفته است در چند سال گذشته با تغییر و تحولات صورت گرفته در سیستم حکومتی عراق و بهره‌مندی کردهای شمال عراق از خودمختاری نسبی و وجود امنیت نسبی در مناطق شمالی این کشور، توانسته است با توسعه روابط تجاری و اقتصادی خود با مردمان آنسوی مرز به سطح قابل توجهی از توسعه اقتصادی در سطح منطقه و استان دست یابد.

بر همین اساس، مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که عوامل اصلی شکل‌گیری و تبیین جریان‌های منطقه میان-مرزی بانه کدامند و اثرات توسعه‌ای آن چیست؟ این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی و استفاده از مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای به دنبال شناسایی عوامل اصلی شکل‌گیری و تبیین جریان‌های منطقه میان-مرزی بانه و بررسی اثرات توسعه‌ای آن می‌باشد. نتایج نشان داد که به ترتیب عوامل گسترش روابط تجاری با آن سوی مرز و افزایش امنیت و توسعه کردستان عراق بیشترین تأثیرات را بر شکل‌گیری منطقه میان-مرزی بانه داشته‌اند. همچنین اثرات توسعه‌ای آن به ترتیب شامل اثرات اقتصادی با میانگین ۳/۸۴، اثرات اجتماعی-فرهنگی با میانگین ۳/۶۱، اثرات کالبدی-فضایی با میانگین ۳/۰۴ و اثرات سیاسی با میانگین ۲/۷۹ می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جریان‌های مناطق میان-مرزی، توسعه منطقه‌ای، بانه، ایران، عراق.

\*\*\*\*\*

۱- دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول مقاله: farajirad61@gmail.com

۲- دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران Mohamadpor1976@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس